

# مدیریت، آسانی و تکامل

حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری

بحث در بارهٔ دو مین درخواست حضرت موسی علیه السلام از خداوند در ارتباط با رهبری «آسانی امر مدیریت» بود، توضیح دادم که از این تقاضا چند نکته استفاده می شود:

۱- آسانی امر مدیریت برای مدیر یک ضرورت است. ۲- آسانی و سختی امور نسبی است. ۳- آسانی در اسلام مطلوب است. در تبیین نکتهٔ سوم سخن به اینجا رسید که چگونه میشود اسلام، دین آسانی و آسایش باشد و در عین حال تکامل انسانرا در سایهٔ سختیها بداند؟ اینک ادامهٔ بحث و پاسخ به این سوال:

## مدیریت، آسانی و تکامل

آن دسته از آیات و روایات اسلامی که دلالت دارند اسلام دین آسانی و آسایش است با دسته ای دیگر که تکامل انسان را در پرتو سختیها می دانند متناقض نیستند بلکه هر دسته بُعدی از ابعاد یک واقعیت را بیان می کنند. واقعیت این است که اسلام برنامهٔ تکامل انسان است و در این برنامه مادیّت و معنویّت، دنیا و آخرت توأمأ مورد توجه قرار دارند، لذا مادیّت و آسایشی که اسلام برای انسان می خواهد با معنویّت و سختیهایی که برای تکامل معنوی، انسان باید تحمل کند منافات ندارد.

به عبارت دیگر اسلام آسایش انسان را می خواهد ولی نه هر آسایش، بلکه آسایشی که مقدمه یا نتیجهٔ تکامل انسان باشد و براین مبنی مقصود از آیات و احادیثی که اسلام را دینی آسان معرفی می کنند قطعاً این نیست که فلسفهٔ اسلام آسایش مطلق انسان است، بلکه مقصود یکی از معانی ذیل با همهٔ این معانی است:

**الف: مقررات اسلامی متناسب با توان انسان است**

در اسلام تکلیف مالا یطاق نیست، قرآن صریحاً اعلام می کند که:

«لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُشْعَهَا»<sup>۱</sup>

خداوند هیچ کس را جز به اندازهٔ توانایش تکلیف نمی کند.

از نظر اسلام تکالیف الهی، علاوه بر اینکه منطبق با خواستههای فطری

و تأمین کنندهٔ نیازهای واقعی انسان است، متناسب با توان او نیز هست. در اسلام قانونهای دست و پاگیر و مشکل آفرین و به تعبیر قرآن حرجی نیست. ۲ شخصیتی از امام صادق علیه السلام پرسید که: زمین خوردم ناختم شکست و برای در مان انگشتم را با دارو بسته ام، برای وضو تکلیفم چیست؟

مقصودش این بود که برای وضو در شرایطی که ذکر شد لازم است یا مشقت باند و دارو از دست باز شود تا آب به پوست برسد یا وظیفه چیز دیگری است؟

امام در پاسخ او یک قانون کلی بیان کرد و فرمود: پاسخ این سوال و امثال آن را از قرآن می توان استنباط کرد، زیرا خداوند متعال فرموده: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج». در دین اسلام تکلیفی که حرجی باشد نیست. وبعد اضافه فرمود که بر همان باند مسح کن.<sup>۳</sup>

نه تنها در اسلام تکلیف مالا یطاق و مقرراتی خارج از توان انسان و بیش از قدرت او وجود ندارد، بلکه برای رعایت آسایش انسان قوانین الهی بگونه ای است که توان انجام آن کمتر از قدرت اوست، امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«خداوند بندگان را امر نفرموده مگر به آنچه که کمتر از توان آنها است و لذا هر آنچه را که به مردم فرمان داده انجام دهند برای انجام آن قدرت دارند و هر تکلیفی که در وسع آنها نیست از آنها برداشت شده است.»<sup>۱</sup>

**ب: اجراء مقررات اسلام آسایش انسان را به دنبال دارد**

تردیدی نیست که انجام بخشی از مقررات اسلام برای بسیاری از مردم خصوصاً در آغاز کار، دشوار است.

اتفاق برای افراد بخیل، نهی از منکر و جهاد برای افراد ترسو و علاقمند به زندگی و... دشوار و سخت است، ولی تحمل این سختیها مقدمهٔ آسانی و آسایش بهتر و کاملتر و بادوام تر است.

در اسلام اموری تحت عنوان گناه ممنوع شده است، خویشن داری از این

در صورت تحقق، خداوند دشواریها را بر انسان آسان می کند چیست و مدیران جامعه اسلامی از کدام طریق می توانند زمینه عنایت الهی را در آسانتر نمودن مشکلات مدیریتی خود فراهم سازند.

### زمینه های آسان شدن مشکلات

در بررسی اجمالی که در باره زمینه های آسان شدن نسبی مشکلات از نظر قرآن و حدیث داشتیم، در مجموع به پنج عامل برخوردیم که این عوامل در واقع مکمل یکدیگرند، و بناً تحقق آنها خداوند متعال توان آرامشی به انسان عنایت می کند که برخورد با بزرگترین امواج مشکلات برای او آسان است، توجه به این عوامل در حقیقت بهترین درس مدیریت و رهبری در بحرانها و شرایط سخت و دشوار است:

#### الف: بکارگیری همه توان

نخستین شرط آسان شدن دشواریها بر انسان تصمیم و تلاش خود اوست هزار بار اگر دعای موسی را تکرار کنی و «پسرلی امری» بگویی و از خداوند تقاضای آسان شدن مشکلات کار خود را بنمایی تا همه توان برای حل آن مشکل بکارگیری، نتیجه ندارد. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«من سأل الله التوفيق ولم یجتهد فقد استهزه بنفسه».

کسی از خدا توفیق بخواهد ولی تلاش نکند خود را مسخره کرده است.

وقتی انسان مصمم می شود که خود را به امواج مشکلات بزند براساس سنت آفرینش، خداوند دشواریها را بر او آسان می نماید، در این زمینه روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که خیلی جالب است، متن روایت این است:

«خداوند به یکی از پیغمبران وحی کرد که فردا صبح اولین چیزی را که در راه دیدی بخور...»

فردا صبح پیامبر بیرون آمد «در عالم مکاشفه» سر راه خود کوهی بزرگ و سیاه رنگ مشاهده کرد، متحیر استاد که چه کند، با خود می گفت که خداوند به من دستور داده این کوه را بخورم! مگر می شود؟! ابتدا نمی دانست به این تکلیف دشوار بلکه محال چگونه عمل کند ولی با قدری تأمل به این نتیجه رسید که خداوند هیچگاه تکلیف متلایطاق نمی کند بنابراین در این کار رازی باید وجود داشته باشد و خوردن این کوه باید ممکن و در توان باشد.

مصمم شد کوه را بخورد! و با این تصمیم به سمت کوه حرکت کرد، در نزدیکیهای کوه، دید کوه کوچک شد! چون به کوه رسید دید آن کوه عظیم تبدیل به یک لقمه گردید! لقمه را به دهان نهاد، آنرا لذیذترین غذاها

بقیه در صفحه ۳۹

امور در آغاز، برای انسان سخت می نماید ولی تحمل این سختی، آسانی و خوشی زندگی را در پی دارد، چشم پوشی از چهره زیبا مشکل ولی مقدمه راحتی است و برعکس چشم پوشی نکردن از هوسها لذتبخش است لکن یک لحظه هوسرانی گناه یکمهر پشیمانی را به دنبال دارد، به گفته امام علی علیه السلام:

«من اطلق طرفه کثر اسفه».

کسی که چشمش را آزاد بگذارد، تأسف او بسیار خواهد بود. و به گفته امام صادق علیه السلام:

«کم من نظرة اورثت حسرة طویلة»

چه بسا یک نگاه موجب حسرت طولانی انسان است.

وقتی چشم دید، دل می خواهد:

زدست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد

دل در تعقیب هوس نامشروع خود، گاه انسان را به جنایاتی وامی دارد که در همه عمر آسایش و خوشی را از او سلب می نماید، کسی که به دستور اسلام لذت چشم چرانی را برخورد تحریم می کند، آسایش و آرامش بیشتری را برای خود تأمین کرده است، به فرموده امام علی علیه السلام:

«من غش طرفه أراح قلبه».

کسی که از نگاههای نامشروع چشم فروپوشد دل خود را راحت ساخته است.

### ج: اسلام انسان را به گونه ای می سازد که سختیها بر او آسان می گردد

این تفسیر از آسان خواهی اسلام برای انسان، در مدیریت و رهبری کاربرد فرهنگی دارد، بناً عنایت به ضروری بودن آسانی امر مدیریت برای مدیر، و نسبی بودن آسانی و سختی، اسلام باید مدیران جامعه اسلامی را به گونه ای تربیت کند که کارهای سنگین و دشوار بر آنان آسان باشد، چگونگی این امر در توضیح نکته چهارم خواهد آمد.

### ۴- آسان شدن امور بدست خدا است

چهارمین نکته ای که از درخواست موسی علیه السلام در مورد آسان شدن امر رسالت و رهبری از خدا، استفاده می شود این است که آسان شدن کارهای سخت برای انسان بدست خداست، اوست که با نازل ساختن آرامش به جان آدمی، او را به گونه ای می سازد که از امواج مشکلات احساس اضطراب و سختی نمی کند و آنچه برای دیگران سخت و ناگوار می نماید، برای او آسان و گوارا می گردد.

مسأله مهم در این رابطه توجه به این معنی است که خداوند حکیم کاری را بی جهت و به گزاف انجام نمی دهد و در حقیقت کلید آسان شدن مشکلات بدست خود انسان است، بنابراین باید دید که عوامل و عللی که

خواهد شد... ولی افراد عیاش و بی درد بدانند که هنوز افراد حزب‌اللهی و خط‌شکنان جبهه‌های نبرد هستند (زنده‌اند و منتظر)...

چرا اسیر آزاد شده به مسئولین بگوید ما در عراق از ایران انتظار دیگری داشتیم خیال می‌کردیم زنهای ما همه با حجاب و برنانه‌های ما همه اسلامی است ولی به محض ورود به ایران عکس انتظار ما مشاهده شد...»

البته بدلیل کمبود جا، ادامه درج‌گزیده‌نامه‌های خوانندگان را به فرصتی مناسب‌تر واگذار می‌نمایم اما به اطلاع خوانندگان نیز می‌رسانیم که در میان نامه‌ها، ورق پاره‌ای هم از یکی از وابستگان به تشکیلات ضد اسلامی و منحرف انجمن حجیه دریافت نموده‌ایم که طی آن منافقانه از شیوع برخی مظاهر فساد در جامعه و اعتراف ما به آن اظهار خوشحالی کرده بود. باید به این فرد و دیگر وابستگان به این گروه‌های منحرف متذکر شویم که امام خمینی (قدس سره الشریف) همچون جد بزرگوارش رسول‌الله (ص) مسلمین جهان را به انجام تکلیف الهی و وظیفه شرعی و دینی خویش دعوت میکرد و میفرمود ما

مأمور به انجام تکلیف و وظیفه هستیم نه مأمور به نتیجه. بر این اساس تکلیف الهی امت حزب‌الله و مسئولین دلسوز و متعهد در شرایط کنونی حفظ انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و برخورد با مظاهر کفر و شرک است مردم مسلمان ما به فرمان آن امام مبین (ره) تا آخرین نفر و تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون برای اعلائی کلمه‌الله ایستاده‌اند و هیچ باکسی از شهادت دز راه آرمانهای امام و انقلاب اسلامی ندارند. و این حرکت، زمینه‌سازی واقعی ظهور منجی عالم بشریت امام زمان (عج) میباشد، نه بی تفاوتی در برابر رشد و شیوع منکرات در جامعه و یا خوشحالی از گسترش فساد و حتی تشویق آن. این افکار انحرافی بس بزرگ است. دست استعمار از یکطرف به شیوع فساد در جامعه اسلامی دامن می‌زند و از طرف دیگر با درست کردن گروه‌هایی همچون انجمن حجیه، مسلمان‌نماهای پیرو این گروه‌های انحرافی را از مقابله با منکرات باز می‌دارد.

وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتٰبَعِ الْهُدٰی

بقیه از مدیریت، آسانی و تکامل

یافت!

به مثل بازگشت، در عالم رؤیا به او گفته شد: مأموریت خود را انجام دادی ولی فهمیدی معنای آنچه دیدی چیست؟

پیغمبر پاسخ داد: نه.

کوه عظیمی که دیدی، خشم بود، وقتی انسان عصبانی می‌شود، خود را نمی‌بیند و کوه قدر و منزلت خود را از شدت خشم فراموش می‌کند، اگر خود را کنترل کند، و قدر خود را بشناسد و خشمش آرام شود، عاقبت کار کوه عظیم خشم، مانند لقمه لذیذی در کام جان او می‌گردد<sup>۱۱</sup>.

این منکاشفه که قتل بر خورد یک انسان با اراده با همه توان، بایک دشواری اخلاقی است، قابل تطبیق در برخورد با همه و یا اغلب مشکلات اخلاقی و اجتماعی و از جمله مشکلات مدیریت جامعه است.

بحرانهای اجتماعی و مشکلات بزرگ مدیریتی همیشه از دور چون کوهی عظیم سد راه حرکت مدیر و رهبر در تعقیب اهداف خویش است ولی وقتی یک مدیر مصمم خود را با همه توان برای گذشتن از آن موانع آماده نماید بتدریج آن موانع در دیده او کوچک می‌شوند و گذشتن از آنها بر او آسان می‌گردد و در نهایت به آسانی مشکلات را در خود هضم می‌کند و موانع را پشت سر می‌گذارد در حالی که لذت معنوی فائق آمدن بر مشکلات کام جانش را شیرین نموده است.

قرآن کریم تصریح می‌کند که:

«والذین جاهدوا لينا لنهذبهم لسانا»<sup>۱۱</sup>.

آنها که همه توان خود را در راه ما بکار گرفتند قطعاً ما آنها را به

راههای خود هدایت می‌کنیم.

جهاد به معنای استفراف و سع یعنی بکارگیری همه توان است، از نظر قرآن اگر انسان همه توان خود را در راه خدا بکار گیرد خداوند او را برای گذشتن از موانع و مشکلات راهنمایی می‌کند، این هدایت که معلول جهاد و بکارگیری همه توان است، ارائه طریق نیست، نشان دادن راه نیازی به جهاد ندارد، بلکه ایصال به مطلوب است یعنی بکارگیری همه توان در راه خدا زمینه گذشتن از موانع و وصول به هدف است، اگر انسان این زمینه را ایجاد کرد خداوند او را به هدف خواهد رساند.

ادامه دارد

۱- بقره ۲۸۶.

۲- ماجمل علیکم فی الدین من حرج /سوره حج ۷۸.

۳- تفسیر نورالثقلین جلد ۳ صفحه ۵۲۴.

۴- توحید صدوق صفحه ۳۴۷.

۵- میزان الحکمه، جلد ۱۰ ص ۷۱.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۳۸.

۷- میزان الحکمه، ج ۱۰ ص ۷۲.

۸- شسی که این سطور را می‌نگاشتم کتاب سفیران نور کتابم بود، از مطالعه و نوشته غنم شدم، سفیران نور را باز کردم تا از انوارشدها استضائه کنم، از باب اتفاق به وصیتنامه شهیدی برخوردیم که به ما عذرش می‌گفت: «مادر، در راه خدا از سخت‌ترین موانع گذشتن بر ایم آسان است!!...» ص ۸۱.

۹- بحار، ج ۷۸ ص ۳۵۶.

۱۰- المواظف العبدیه صفحه ۱۶۸ آنچه در اینجا آمد قسمتی است از روایت با توضیحاتی از نگارنده.

۱۱- سوره عنکبوت- آیه ۶۹.